

مطالعات حقوق تطبیقی

دوره ۸، شماره ۱

بهار و تابستان ۱۳۹۶

صفحات ۲۹۷ تا ۳۲۲

دادگاه صالح در حل و فصل اختلافات ناشی از تعهدات

غیرقراردادی در حقوق ایران و اتحادیه اروپا

همایون مافی*

دانشیار دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

سید حسن حسینی مقدم

استادیار دانشگاه غیرانتفاعی شمال

(فاکس: ۰۱۱۳۲۳۱۱۸۵۸، Email: s.h.hosseini-moghaddam@gmail.com)

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۶/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۱/۱۵)

چکیده

در اتحادیه اروپا با وجود وضع مقررۀ رم ۲ ناظر بر تعهدات غیرقراردادی، نسبت به تعیین دادگاه صالح در این نوع دعاوی سکوت شده است. اما مقررۀ بروکسل ۱ در کنار صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده، دادگاه محل وقوع حادثه، دادگاه محل اقامت بیمه‌گذار، و دادگاه محل اقامت مصرف‌کننده را نیز صالح برای رسیدگی می‌داند. در حقوق ایران این پرسش مطرح می‌شود که در تعهدات غیرقراردادی در مواردی که خوانده اقامتگاه، محل سکونت و یا مال غیرمنقول در ایران ندارد، آیا تنها دادگاه محل اقامت خواهان دارای صلاحیت رسیدگی به دعوی خواهد بود، یا دادگاه محل بروز خسارت و یا دادگاه محل وقوع حادثه هم به‌عنوان دادگاه‌های دیگر دارای صلاحیت برای رسیدگی‌اند. در این مقاله به بررسی معیارهای تعیین صلاحیت دادگاه در حقوق ایران و اتحادیه اروپا درباره تعهدات غیرقراردادی خواهیم پرداخت تا ناکارآمدی ماده ۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی و ماده ۹۷۱ قانون مدنی را در رسیدگی به دعاوی موضوع پرسش‌های پیش‌گفته ارائه نماییم.

واژگان کلیدی

اتحادیه اروپا، تعهدات غیرقراردادی، حقوق ایران، دادگاه صالح.

Email: hmynmafi@yahoo.com

* نویسنده مسئول.

مقدمه

رسیدگی برابر خواسته خواهان مستلزم رعایت تشریفات دادرسی و اقامه دعوی نزد دادگاه صالح است. اگر دعوی در مرجع غیر صالح طرح گردد، بر اساس مواد ۲۷، بند ۱ ماده ۸۴ و ماده ۸۹ ق.آ.د.م، دعوی خواهان با قرار عدم صلاحیت مواجه می‌شود و پرونده به دادگاه ذی صلاح ارسال خواهد شد. این امر در حقوق داخلی ممکن است از یک جنبه صرفاً به اتلاف وقت و هزینه منتهی شود، ولی در دعاوی بین‌المللی اتلاف وقت یا صرف هزینه ناشی از طرح دعوی در مرجع غیر صالح از مشکلات انکارناپذیری است که جبران آن امکان‌پذیر نیست. پس خواهان باید از صلاحیت دادگاه اطمینان حاصل کرده، سپس اقدام به طرح دعوی نماید (Bougen, 2002, p.262). قاعده صلاحیت دادگاه اقامتگاه خوانده^۱ در قوانین موضوعه کشورها پذیرفته شده و بر مبنای آن چون اصل برائت ذمه خوانده و مطابقت ظاهر با حقیقت استوار است. بنابراین خواننده در پناه آن اصول باید کمترین زحمت و هزینه را متقبل شود و خواهان الزاماً باید به دادگاه محل اقامت خوانده مراجعه نماید (متین دفتری، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۷۵).

حاکمیت قاعده یادشده اساساً در تعهدات قراردادی و غیرقراردادی یکسان می‌باشد. اگر ضرر وارده ناشی از نقض قوانین حاکم بر مسئولیت مدنی به بار آید، خواننده چنین حقی را داراست. برخی از نویسندگان در مواردی که خواننده دعوی اشخاص حقوقی می‌باشند، برخلاف تعهدات قراردادی در دعاوی مربوط به تعهدات غیرقراردادی به استناد ماده ۲۲ ق.آ.د.م. معتقدند صرفاً دادگاه محل اقامت شخص حقوقی صالح می‌باشد (ابهری و برزگر، ۱۳۹۰، ج ۱، ص ۱۷۱ و ۱۷۰). البته قانون‌گذار در کنار قاعده صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده، موارد دیگری را نیز قید نمود، لیکن در مورد اصل یا استثنایی بودن صلاحیت سایر دادگاه‌ها مانند صلاحیت دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول اتفاق نظر وجود ندارد. برخی عقیده نخست (شمس، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۴۲۱) و بعضی دیگر نظر دوم را پذیرفته‌اند (جعفری‌تبار، ۱۳۸۹، ص ۱۴۷).

قانون‌گذار به‌طور صریح در دعاوی مربوط به تعهدات غیرقراردادی از معرفی صلاحیت دادگاه دیگری در کنار دادگاه محل اقامت خواننده خودداری نمود. این تفاوت در تعهدات قراردادی و غیرقراردادی دارای آثار فراوانی است. زیرا در تعهدات غیرقراردادی نیز اقتضای پیش‌بینی صلاحیت محاکم دیگری وجود دارد تا در مواردی که خواننده در ایران اقامتگاه، محل سکونت و یا مال غیرمنقول نداشته باشد، خواهان ناگزیر از طرح دعوی در خارج از کشور نباشد. در تمامی دعاوی مرتبط با تعهدات غیرقراردادی زمینه رسیدگی برای دادگاه محل اقامت خواهان، به صرف اقامت، سکونت یا مال غیرمنقول نداشتن خواننده فراهم نیست، بلکه باید عامل

1. Lex domicili

ارتباطی بین صلاحیت دادگاه و موضوع مورد رسیدگی وجود داشته باشد. این عامل ارتباط در دعاوی مسئولیت مدنی می‌تواند محل وقوع حادثه، محل وقوع خسارت، محل اقامت مصرف‌کننده یا زیان‌دیده باشد. در حال حاضر اگر منبع ورود ضرر در تعهدات غیرقراردادی ارتکاب جرم باشد، شاکی ضمن طرح دعوی کیفری قادر است مطالبه ضرر و زیان را برابر مواد ۲۱۴ و ۲۱۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ش و نیز مواد ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ش علیه عامل ورود زیان اقامه نماید. لیکن چون همیشه منبع مسئولیت مدنی جرم نیست، این روش به‌طور مطلق کارایی ندارد.

در نظام حقوقی اتحادیه اروپا به‌موجب مقرره بروکسل ۱، افزون بر دادگاه محل اقامت خواننده، در راستای حمایت بیشتر از زیان‌دیده، دادگاه محل وقوع فعل زیان‌بار و در مسئولیت مدنی و در روابط استخدامی، دادگاه محل اقامت مستخدم، و نیز در خسارات زیست‌محیطی، دادگاه محل وقوع حادثه برای رسیدگی صلاحیت دارد (Beaumont and Raulus, 2002, P.109). در این مقاله برآنیم تا طی دو گفتار زیر، نخست به وضعیت صلاحیت دادگاه در رسیدگی به دعاوی ناشی از تعهدات غیرقراردادی در حقوق ایران بپردازیم و سپس با نگاهی اجمالی هم‌موضوع را در اتحادیه اروپا بررسی کنیم و سرانجام برای فراهم آمدن زمینه تحول در حقوق داخلی و توسعه شایسته صلاحیت محاکم ایرانی برای رسیدگی به دعاوی مسئولیت مدنی و تعهدات غیرقراردادی به نتایجی دست یابیم.

دادگاه صالح برای رسیدگی به دعاوی ناشی از تعهدات غیرقراردادی

در حقوق ایران

شناسایی دادگاه صلاحیت‌دار در حقوق داخلی مبتنی بر قواعدی بوده که در کشورهای مختلف نیز پذیرفته شده است؛ مانند اصل صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده، و محل وقوع مال غیرمنقول. اما چگونگی حاکمیت قواعد صلاحیت محلی در حقوق داخلی نسبت به دعاوی حقوقی و به‌ویژه تعهدات غیرقراردادی، تابع مقررات خاصی است. برای صالح شناختن دادگاه‌های ایران و طرح دعوی نزد آن‌ها حسب مورد، اینکه خواننده دارای اقامتگاه، محل سکونت یا مال غیرمنقول در ایران باشد یا خیر و اینکه موضوع دعوی مسئولیت مدنی اموال غیرمنقول است یا نه و سرانجام آنکه منشأ دعوی ناشی از وقوع یک جرم است یا دیگر اسباب ضمان قهری، می‌تواند در تعیین صلاحیت دادگاه محلی مؤثر باشد که به هریک از این موضوعات خواهیم پرداخت.

۱. اجرای قواعد صلاحیت محلی

در ماده ۱۳ ق. آ.د.م. قانون گذار در کنار اصل صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده، دادگاه محل انعقاد و اجرای تعهد را نیز صالح دانست. در تعهدات غیر قراردادی چنین صلاحیتی برای دادگاه پیش بینی نشده است. از منظر حقوق داخلی باید بنا را بر اعمال همان اصل یاد شده در ماده ۱۱ ق. آ.د.م. نهاد، اما از نظر بین المللی قانون گذار در ماده ۹۷۱ ق.م. نزاکت بین المللی را نسبت به حاکمیت دیگر دولت‌ها پذیرفته و مقرر داشته است: «دعاوی از حیث صلاحیت محاکم و قوانین راجع به اصول محاکمات تابع قانون محلی خواهد بود که در آن جا اقامه می شود. مطرح بودن همان دعوا در محکمه اجنبی رافع صلاحیت محکمه ایرانی نخواهد بود». در ماده ۲۶ ق. آ.د.م. نیز تشخیص صلاحیت داشتن یا نداشتن هر دادگاه برعهده همان دادگاه است. بنابراین، در روابط بین المللی صلاحیت محاکم هر کشور به حاکمیت و اقتدار آن دولت معطوف می گردد و در حقوق داخلی مفاد ماده ۲۶ قانون یاد شده نسبت به حکم ماده ۹۷۱ ق.م. به ویژه در دعاوی راجع به تعهدات غیر قراردادی که در حقوق ایران مطرح می گردد، حاکمیت دارد. با وجود این در دعاوی راجع به مسئولیت مدنی هر چند قانون گذار قاعده را در ماده ۱۱ محدود به صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده نموده است، در مواردی ضرورت امر طرح دعوی در محل دیگری را اقتضا دارد تا منافع خواهان به نحو شایسته تأمین گردد. پس باید در صدد تعیین و شناسایی معیارهای جدیدی بود که نظریه اخیر را تقویت نماید.

۲. صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده به عنوان قاعده در تعهدات غیر قراردادی

دعاوی مربوط به تعهدات غیر قراردادی مدعی باید وفق ماده ۱۱ ق. آ.د.م. در دادگاه محل اقامت خواننده اقامه دعوی نماید. به عقیده نویسندگان حقوقی، اصل برائت^۱ و دلالت اماره ظاهر بر حقیقت، اقتضا دارد که ادعای خواهان در دادگاه محل اقامت خواننده اقامه شود (متین دفتری، همان، ص ۳۷۶). این قاعده دارای آثار مثبت است؛ مانند آنکه ابلاغ به خواننده مطمئن تر خواهد بود و به ارسال اوراق قضایی به حوزه دادگاه دیگری برای ابلاغ نیازی نیست و همچنین در صورت صدور حکم به نفع خواهان، عموماً خواننده در محل اقامت خویش دارای اموال می باشد و اجرای حکم با شناسایی دارایی خواننده سهل تر است.

محدود نمودن صلاحیت دادگاه صرفاً به دادگاه محل اقامت خواننده در دعاوی مربوط به مسئولیت مدنی به عنوان یک قاعده مطلق، پاسخگوی مناسبی در زندگی پیچیده اجتماعی

۱. ماده ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی مقرر می دارد: «اصل برائت است، بنابراین اگر کسی مدعی حق یا دینی باشد باید آن را اثبات کند، در غیر این صورت با سوگند خواننده حکم برائت صادر خواهد شد».

نیست. برابر برخی مقررات مانند ماده ۴۶ قانون آیین دادرسی مدنی فرانسه (محسنی، ۱۳۹۱، ص ۹۰-۸۹) و یا مفاد بند ۳ ماده ۵ مقررۀ بروکسل ۱ (صادقی، ۱۳۸۹، ص ۵۸)، می‌باید بین دادگاه محل وقوع حادثه و موضوع دعوی خسارت ناشی از تعهدات غیرقراردادی با آن دادگاه، عامل ارتباطی وجود داشته باشد تا در کنار دادگاه محل اقامت خوانده صالح به رسیدگی باشد. زیرا شرایط رسیدگی در دادگاه محل وقوع حادثه و یا محل بروز خسارت فراهم‌تر از دادگاه محل اقامت خوانده است، در این صورت چرا نباید به حقوق خواهان توجه داشت و در همه موارد صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده را قاعدۀ غیرقابل انعطاف تلقی نمود؟ اگر مصرف‌کننده کالایی را در محل اقامت خویش استفاده کرده و از جانب آن دچار خسارت شده است، عادلانه نیست صرفاً به دادگاه محل اقامت تولیدکننده مراجعه نماید.

۳. صلاحیت دادگاه جایگزین محل اقامت خوانده

در مواردی که خوانده در ایران دارای اقامتگاه نباشد، در ماده ۱۱ ق.آ.د.م. دادگاه جایگزینی را به‌عنوان دادگاه صالح نسبت به صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده پیش‌بینی نمود. این دادگاه می‌تواند دادگاه محل سکونت و یا محل وقوع مال غیرمنقول و نیز محل اقامت خواهان باشد.

۳.۱. صلاحیت دادگاه محل سکونت خوانده

برابر ماده ۱۱ ق.آ.د.م، اگر خوانده در ایران اقامتگاه نداشته باشد، لیکن دارای محل سکونت موقت باشد، دادگاه محل سکونت خوانده صلاحیت رسیدگی به دعوی را دارد. صلاحیت دادگاه محل سکونت از این حیث برای قانون‌گذار دارای اهمیت است که خوانده با اختیار خود محلی را انتخاب کرده و در آنجا سکنا گزیده است و دسترسی به ایشان به‌منظور ابلاغ اوراق قضایی و حضورش در دادگاه برای رسیدگی ممکن خواهد بود. قانون‌گذار با افزودن قید «موقت» بر عبارت «محل سکونت» در صدد آن برآمده تا تمیزی بین وضعیتی که محل سکونت و اقامتگاه شخص یکسان است با فرضی که این دو محل از هم جدا باشند، قائل گردد و منظور خویش را بر موردی معطوف سازد که موضوع اقامتگاه مطرح نبوده، صرفاً سکونت در بین باشد. در این موارد قانون‌گذار نقش فرعی را برای سکونتگاه خوانده قائل شده و در فرض عدم اقامت خوانده در ایران، دادگاه محل سکونت او را جایگزین مناسبی برای دادگاه محل اقامت خوانده قرار داده است.

۳.۲. صلاحیت دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول

در صورتی که خواننده در ایران اقامتگاه یا محل سکونت نداشته باشد، دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول نقش فرعی یا جایگزین اقامتگاه وی را خواهد یافت تا خواهان با مشکل عدم صلاحیت تمامی دادگاه‌ها روبرو نشود. همسو با برخی از نویسندگان، دامنه و قلمرو مال غیرمنقول را می‌توان توسعه بخشید و از تضييع حقوق خواهان جلوگیری نمود (کریمی، ۱۳۸۶، ص ۴۳). اموال غیرمنقول به دلیل داشتن وضعیت خاص، امکان جابجایی از محلی به محل دیگر را ندارند و به دلیل ثبات این نوع از اموال، حکومت قوانین کشورهای متعدد بر آن‌ها ممکن نیست. در قوانین مختلف برای اموال غیرمنقول ویژگی متمایزی پیش‌بینی شده است؛ مانند ماده ۸ ق.م. که در آن به حکومت قانون ایران بر اموال غیرمنقول در خاک ایران اشاره شده است. ماده ۱۶۴ قانون امور حسبی نیز مقرر می‌دارد در امور راجع به ترکه در فرضی که متوفای در ایران اقامتگاه یا محل سکونت نداشته باشد، دادگاه محل وقوع اموال غیرمنقول برای رسیدگی صالح است. همچنین در ماده ۱۵ ق.آ.د.م. در مواردی که صلاحیت هم‌زمان دادگاه مربوط به مال منقول و غیرمنقول پیش می‌آید، صلاحیت دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول مرجح دانسته شده است. در نظر قانون‌گذار، ثبات اموال غیرمنقول و وابستگی بیشتر خواننده به این قبیل اموال، مفروض و بدون تردید است. از این رو، یکی از معیارهای تعیین صلاحیت دادگاه، پس از قاعده اقامتگاه و محل سکونت، در ماده ۱۱ ق.آ.د.م. دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول است.

۳.۳. صلاحیت دادگاه محل اقامت خواهان

در فرضی که خواننده در ایران اقامتگاه، محل سکونت و یا مال غیرمنقول نداشته باشد، امکان طرح دعوی علیه خواننده همچنان در حقوق ایران وجود خواهد داشت؛ چراکه ماده ۱۱ ق.آ.د.م. به خواهان اجازه طرح دعوی در اقامتگاه خویش را می‌دهد. اگر همانند برخی از نویسندگان بر آن باشیم که قانون‌گذار هماهنگ با مقررات بیشتر کشورها در صدد گسترش صلاحیت محاکم ملی است (شمس، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۴۲) و یا آنکه حسب نگاه تطبیقی عقیده داشته باشیم قانون‌گذار به تاسی از حقوق فرانسه، به ملیت خواهان به‌عنوان یکی از اصحاب دعوی نظر داشته است، به هر شکل، راهکار ماده ۱۱ باوجود مزایای فراوان آن، در همه موارد دارای اثر مثبت یکسانی نیست. اگر خواهان و خواننده هر دو ایرانی باشند و در ایران حضور داشته باشند، با فرضی که هیچ‌یک از آن دو ایرانی نبوده و در ایران حضور نداشته‌اند و همچنین در فرضی که خواهان در ایران اقامتگاه داشته و خواننده اعم از ایرانی و غیرایرانی در ایران حضور نداشته باشد، تفاوت از حیث آثار طرح دعوی در محل اقامت خواهان، مشهود است و همیشه به تحقق اهداف

قانون گذار برای حفظ حقوق خواهان نخواهد انجامید. در ادامه به هریک از این فرض‌ها خواهیم پرداخت.

فرض اول، حضور خواننده در ایران بدون داشتن اقامتگاه، محل سکونت یا مال غیرمنقول

در برخی موارد خواننده دارای اقامتگاه و محل سکونت مشخصی نیست و خواهان از او مال غیرمنقولی سراغ ندارد، اما هیچ‌یک مانع از آن نیست تا خواهان علیه چنین خواننده‌ای که در ورود ضرر به او نقش داشته است، اقامه دعوی نماید. اگر با وجود حضور عامل ورود زیان در ایران و انجام فعل زیان‌بار، هیچ‌یک از معیارهای یادشده برای طرح دعوی علیه وی وجود نداشته باشد، خواهان به‌موجب اختیار یادشده در بخش پایانی ماده ۱۱ می‌تواند در دادگاه محل اقامت خویش طرح دعوی نماید. ابلاغ اوراق قضایی نیز به دلیل مجهول‌المکان بودن خواننده برابر ماده ۷۳ ق.آ.د.م. باید به‌وسیله انتشار آگهی به عمل آید. بنابراین اگر خواننده در ایران دارای اقامتگاه، محل سکونت و یا مال غیرمنقول باشد، دیگر دادگاه محل اقامت خواهان صلاحیت رسیدگی به دعوی را نخواهد داشت.

اصولاً دادگاه به دو شیوه ممکن است پی به عدم صلاحیت خود برده، قرار عدم صلاحیت صادر نماید. بدیهی‌ترین شیوه آنست که خواننده‌ای که مجهول‌المکان اعلام شد در جلسه نخستین رسیدگی از موضوع دعوی مطلع و با طرح ایراد عدم صلاحیت دادگاه محل اقامت خواهان، نشانی اقامتگاه و یا محل سکونت یا مال غیرمنقول خویش را اعلام کند و در پی آن یکی از دادگاه‌های پیش‌گفته صلاحیت رسیدگی خواهد یافت (زراعت، ۱۳۸۹، ص ۱۰۷). روش دیگر آنست که دادگاه به‌موجب ماده ۲۶ ق.آ.د.م. رأساً حسب اسناد و مدارک تقدیمی از سوی خواهان، صلاحیت مرجع دیگری را احراز نماید. در تعهدات غیرقراردادی نیز می‌توان بر مبنای اصل ۳۴ قانون اساسی و قواعدی که بر احکام غیابی اعم از شیوه ابلاغ، اجرا، و واخواهی در تبصره ماده ۳۰۲ و مواد ۳۰۳، ۳۰۵ و ۳۰۶ ق.آ.د.م. حاکم است، استنباط نمود که خواهان می‌تواند در دادگاه محل اقامت خویش با مجهول‌المکان معرفی کردن خواننده، علیه او اقامه دعوی نماید. در این صورت شناسایی نشدن محل اقامت خواننده مانع استماع دعوی نیست. حال اگر دو ایرانی به‌عنوان توریست به کشور خارجی رفته، یکی از آنان هنگام جابجایی وسایل موجب تلف وسایل دیگری شود، آیا زیان دیده نسبت به وقایعی که در خارج از ایران به بروز خسارت انجامیده است، حق طرح دعوی در ایران را دارد؟ به‌نظر می‌رسد دادگاه ایران به‌ویژه

۱. «دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می‌تواند به‌منظور دادخواهی به دادگاه صالح رجوع نماید همه افراد ملت حق دارند به این گونه دادگاهها دسترسی داشته باشند و هیچ‌کس را نمی‌تواند از دادگاهی که به‌موجب قانون حق مراجعه به آن را دارد منع نمود».

دادگاه محل اقامت خواهان دارای صلاحیت باشد، زیرا ممکن است که محل اقامت یا سکونت و اموال غیرمنقولی از عامل ورود زیان در کشور محل بروز حادثه یا کشور دیگری وجود نداشته باشد. از سوی دیگر اگر اقامتگاه، محل سکونت یا مال غیرمنقولی از خواننده در ایران شناخته نشود، در آن صورت خواهان قادر به طرح دعوی در دادگاه محل اقامت خویش می‌باشد.

فرض دوم، عدم حضور خواننده در ایران و نداشتن اقامتگاه، محل سکونت، مال غیرمنقول

در برخی موارد ممکن است در اثر وقوع حادثه‌ای به اشخاص خسارت وارد شود. در این فرض، زیان دیده در ایران اقامتگاه دارد، ولی عامل ورود زیان نه تنها در ایران دارای اقامتگاه، محل سکونت و یا مال غیرمنقول نیست، بلکه حضور هم ندارد. ظاهراً بر اساس اطلاق ماده ۱۱ و به‌ویژه حکم ماده ۹۷۱ ق.م. هیچ‌گونه محدودیتی برای صلاحیت دادگاه محل اقامت خواهان وجود ندارد. برای مثال اگر یک تبعه کشور خارجی در ایران دارای اقامتگاه، محل سکونت یا مال غیرمنقول نباشد و به دلیل اتلاف مال غیر خسارتی بر دیگری وارد سازد، اعم از اینکه رویداد در ایران واقع شود یا در خارج از قلمرو خاک ایران صورت گیرد، به هر شکل به استناد مواد یادشده امکان رسیدگی به دعوی خواهانی که در ایران اقامتگاه دارد، در دادگاه حوزه محل اقامتش وجود خواهد داشت. ولی نباید به‌ظاهر بسنده کرد، زیرا معیار و مبنای فعلی تعیین صلاحیت دادگاه ملی نسبت به موضوعاتی که جنبه بین‌المللی دارند، با قواعد پذیرفته‌شده در مقرره‌های بین‌المللی کاملاً منطبق نیست.

در حقوق ایران به نظر برخی از نویسندگان در تعیین صلاحیت بین‌المللی دادگاه‌ها، باید به عامل ارتباط توجه کرد. عده‌ای به دلیل اینکه ماده ۹۷۱ ق.م. برای پرهیز از صدور احکام معارض، نسبت به دعوایی که ممکن است از سوی دو دادگاه در دو کشور مختلف رسیدگی می‌گردد، راهکاری به‌دست نداده است، به انتقاد برخاسته‌اند (سلجوقی، ۱۳۸۶، ص ۴۹۷). البته این انتقاد به نظر وارد نیست، زیرا بند ۵ ماده ۱۶۹ قانون اجرای احکام مدنی یکی از شرایط اجرای حکم صادره از دادگاه‌های خارجی را به عدم تعارض با حکم دادگاه‌های ایران در خصوص همان موضوع وابسته دانسته است. زیرا هیچ دولتی نمی‌پذیرد، حاکمیتش که به‌وسیله یک حکم بر موضوعی مسلم گردیده است، به‌وسیله حکم دادگاه خارجی مخدوش شود (مافی و قادری، ۱۳۹۱، ص ۱۹۶). برخی دیگر نیز تعیین صلاحیت بین‌المللی بر مبنای اقامتگاه خواهان در حقوق ایران را نادرست و ناستوار تلقی نموده‌اند، زیرا اجرای رأی را بر اساس صلاحیت دادگاه محل اقامت خواهان در کشور محکوم‌علیه ناممکن انگاشته، بر اقامه دعوی در کشور محل اقامت خواننده تأکید می‌نمایند (غریبه، ۱۳۹۱، ص ۴). درعین حال، نویسندگان دیگر نیز با آنکه قائل بر این هستند که اجبار دولت‌ها به نفی صلاحیت خود به دلیل رسیدگی دعوی در

دادگاه خارجی مخالف با اصل حاکمیت دولت‌ها است، اعمال ماده ۹۷۱ ق.م. مبنی بر رسیدگی به دعوی در دادگاه ایران، در فرض طرح همان دعوی در دادگاه خارجی را مخالف با حسن روابط بین‌المللی دانسته‌اند و پذیرش ایراد را مبنی بر اینکه دعوی در دادگاه خارجی در حال رسیدگی است، مفید می‌دانند؛ زیرا در زمانی که دادگاه خارجی از نظر کشوری که دعوی به‌طور ثانی در آنجا طرح شده، دارای صلاحیت است، می‌توان حکم صادره از آن دادگاه خارجی را اجرا نمود (صفایی، ۱۳۷۴، ص ۲۱۰). پس این‌گونه نیست که از مفاد ماده ۹۷۱ ق.م. صلاحیت مطلق دادگاه‌های ایران در دعاوی بین‌المللی به آسانی برآید. رعایت مواردی که از آن به‌عنوان عامل ارتباط اساسی یاد گردید، به نظر ضروری خواهد بود. برخی نویسندگان به‌صراحت در دعاوی راجع به جبران خسارت ناشی از مسئولیت مدنی کالا، در فرضی که دعوی در جریان رسیدگی در دادگاه خارجی به حال زیان‌دیده مساعدتر تلقی می‌شود، عقیده دارند که دادگاه ایرانی باید از رسیدگی به دعوی خودداری ورزد (جعفری‌تبار، ۱۳۸۹، ص ۲۲۱). به باور حقوق‌دانان دیگر، ماده ۹۷۱ ق.م. ناظر بر قضایی است که رسیدگی به آن‌ها در صلاحیت انحصاری دادگاه ایرانی می‌باشد، مانند دعاوی راجع به اموال غیرمنقول، ولی به‌موجب این ماده درباره سایر موضوعات برای صلاحیت داشتن دادگاه ایران حکمی وجود ندارد و دادگاه ایران می‌تواند در این قبیل موضوعات که در صلاحیت انحصاری و اختصاصی وی نیست، ایراد سبق طرح دعوی در دادگاه خارجی را بشنود (غمامی و محسنی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۶). در وضعیت کنونی معیارهای صلاحیتی پاسخگوی نیاز جامعه نیست و نمی‌توان به حکم ماده ۹۷۱ ق.م. و یا مفاد ماده ۱۱ ق.آ.م. مبنی بر اجازه اقامه دعوی به خواهان در محل اقامتش بسنده نمود و دعوی را علیه خواننده‌ای طرح کرد که در دادگاه‌های ایران نه‌تنها دارای اقامتگاه، محل سکونت یا مال غیرمنقول نیست، بلکه حضور هم ندارد؛ مگر آنکه همانند دیگر کشورها و یا آنچه در مقرره‌های حاکم در نظام حقوقی اتحادیه اروپا آمده است، ملاکی از قبیل صلاحیت دادگاه محل وقوع حادثه، محل ورود خسارت، محل اقامت زیان‌دیده، محل ایجاد علل اختلاف یا محل اقامت مصرف‌کننده نیز بر معیارهای فعلی صلاحیتی دادگاه‌های ایران افزوده شود. در این صورت رسیدگی به دعوی در محاکم ایران علیه خواننده به دلیل انطباق رأی صادره با قواعد عام و پذیرفته‌شده در میان بیشتر کشورهای جهان، امکان اجرای آن را در کشور محل اقامت واقعی خواننده در خارج از ایران میسر خواهد ساخت.

فرض سوم، عدم حضور خواهان و خواننده در ایران و نداشتن اقامت، سکونت و مال غیرمنقول

خواهان در صورتی قادر است علیه خواننده برخلاف اصل صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده در

دادگاه جایگزین، یعنی محل اقامت خویش، اقامه دعوی نماید که خوانده در ایران اقامت، سکونت و یا مال غیرمنقول نداشته باشد. اگر خواهان در ایران اقامتگاه نداشته باشد، اگرچه در ایران سکونت موقت، مال غیرمنقول و یا حضور داشته باشد و در برابر او خواننده دعوی نیز دارای هیچ‌یک از شرایط یادشده برای طرح دعوی علیه وی در ایران نباشد، در آن صورت نباید محاکم ایران را صالح به رسیدگی دعوی خواهان علیه خواننده موصوف دانست. برای مثال اگر دو توریست خارجی به‌طور اتفاقی در زمان بازدید از اماکن گردشگری ایران به یکدیگر آسیب وارد نمایند، دادگاه‌های ایران بر چه اساسی صلاحیت رسیدگی به این دعوی مسئولیت مدنی را خواهند داشت؛ درحالی که نه موضوع از ماهیت کیفی برخوردار است و نه اصحاب دعوی شرایط صلاحیتی برای طرح دعوی را دارند و نه در قوانین ایران هیچ‌یک از معیارهای خاص از قبیل صلاحیت دادگاه محل وقوع حادثه، ورود خسارت یا علل بروز اختلاف پیش‌بینی شده است. در این صورت به گمان برخی از نویسندگان، با آنکه ترافع قضایی از حقوق بیگانگان است (غریبه، ۱۳۹۱، ص ۴)، محاکم ایران برای رسیدگی به این قبیل دعاوی صالح نیستند. این مشکل از نقص قانون ایران در ارائه معیار مناسب برای تعیین صلاحیت دادگاه‌ها نشئت می‌گیرد؛ درحالی که هیچ مانعی وجود نخواهد داشت تا دادگاه‌های ایران نسبت به دعاوی دو تبعه بیگانه در تعهدات غیرقراردادی که منشأ بروز اختلاف به‌عنوان یک عامل ارتباط در قلمرو صلاحیت محاکم ایران واقع گردید، دارای صلاحیت برای رسیدگی تلقی شوند.

۳.۴. موارد صلاحیت دادگاه محل وقوع خسارت

در بسیاری از موارد در پی بروز یک واقعه حقوقی، خسارتی به اشخاص وارد می‌آید که برای جبران ضرر و زیان وارده در این موارد خاص، همیشه دادگاه محل اقامت خوانده و یا دادگاه‌های جایگزین برشمرده شده، عملاً دادگاه مناسبی به حال زیان‌دیده نخواهد بود؛ زیرا ارتباط میان آن واقعه با عوامل دیگر از قبیل جرم یا مال غیرمنقول اقتضا دارد تا دعوی جبران خسارت در دادگاه محل وقوع جرم و یا محل وقوع مال غیرمنقول رسیدگی شود. با پذیرش صلاحیت دادگاه دیگری به‌جز دادگاه محل اقامتگاه خوانده، زیان‌دیده مجبور نخواهد بود در محل اقامت خوانده که می‌تواند در داخل و یا خارج از کشور باشد، اقامه دعوی نماید؛ زیرا به‌صرف اینکه اقامتگاه خوانده یا محل سکونت و اموال او شناسایی نشده است، احراز صلاحیت دادگاه محل اقامت خواهان، بی‌آنکه معیار خاصی به‌عنوان عامل ارتباط اساسی بین دادگاه رسیدگی‌کننده به دعوی و سبب اختلاف وجود داشته باشد، مبنای مناسب و موجهی برای صلاحیت دادگاه محل اقامت خواهان نیست. امروزه معیارهای مهم پذیرفته‌شده، مانند دادگاه محل وقوع حادثه، دادگاه محل بروز خسارت، دادگاه محل اقامت مصرف‌کننده زیان‌دیده، در بعضی از مقرردها بر

همین اصول منطقی بنا نهاده شده که به دلیل رابطه خاص بین دادگاه رسیدگی کننده با موضوع و منشأ دعوی، امکان رسیدگی عادلانه‌ای را فراهم می‌آورند. در حقوق کنونی ایران به‌طور صریح معیار خاص و معین، مانند صلاحیت دادگاه محل وقوع خسارت پیش‌بینی نشده است. با استقرا در قوانین می‌توان به‌طور پراکنده مواردی را یافت که دادگاه‌های دیگر به‌جز دادگاه محل اقامت خوانده، عملاً صلاحیت رسیدگی به دعوی مسئولیت مدنی را بر اساس همان عامل ارتباط بین سبب اختلاف و منشأ ایجاد حق با دادگاه رسیدگی کننده دارا می‌باشند. از این حیث زمینه و قابلیت لازم برای اصلاح ماده ۱۱ ق.آ.د.م. برای توسعه قلمرو صلاحیت دادگاه‌ها با تعیین معیارهای جدید برشمرده فوق وجود دارد. در ادامه به نمونه‌هایی از این موارد خواهیم پرداخت.

الف) صلاحیت دادگاه محل وقوع جرم

در کنار عناوینی که از آن به‌عنوان الزامات خارج از قرارداد نام برده می‌شود، مانند اتلاف و تسبیب، جرم نیز از دیگر مواردی است که بعضی از مصادیق آن می‌تواند سبب ورود خسارت به دیگری گردد؛ زیرا برخی از جرائم با اینکه در قانون برای آن‌ها مجازات تعیین شده است، دارای ضمانت اجرای خاص کیفری هستند، مانند ولگردی و جرائم سیاسی، اما ضرر و زیانی بر دیگری وارد نمی‌سازند. دسته‌ای از جرائم دیگر، افزون بر نقض نظم عمومی و یا تجاوز به حریم خصوصی اشخاص، ضرر و زیانی نیز بر مجنی‌علیه تحمیل می‌نمایند. مصادیق جرائمی که ضرر و زیان را با خود به همراه دارند، فراوان است، از قبیل سرقت، تخریب، کلاهبرداری، تصادفات رانندگی که به آسیب‌های جسمانی یا تلف و نقص اموال می‌انجامد. نویسندگان حقوقی این موارد را در زمره اسباب مسئولیت مدنی دانسته، مجرم را مکلف به جبران ضرر در کنار تحمل کیفر می‌دانند (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص ۴۱؛ صفایی و رحیمی، ۱۳۹۰، ص ۶۱).

ضرر و زیان می‌تواند استفاده از مال و یا ایراد عیب و نقص و یا از بین بردن عین مال به‌وسیله هر نوع عملی اعم از تلف، تسبیب، تخریب و احتراق باشد. در این موارد قانون‌گذار در مواد کیفری پراکنده مجرم را مکلف به جبران خسارات وارده بر اشخاص دانسته است؛ مانند مواد ۵۵۸، ۵۹۸، ۶۸۶، ۶۸۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵ ش. قانون‌گذار امکان رسیدگی به دعوی خسارت و ضرر و زیان ناشی از جرم را در دادگاه کیفری پیش‌بینی نموده است، اما رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی از جمله تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه دادرسی را الزامی می‌داند. این وضع در مواد ۱۴، ۱۵، ۱۶ و ۲۰ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ ش تصریح شده است؛ بنابراین اگر شخصی از تهران به مقصد شیراز سفر کند و در شیراز به دلیل بی‌احتیاطی راننده دیگر دچار آسیب بدنی گردد و اتومبیل وی نیز متحمل خسارت

شود و مرتکب جرم و عامل ورود خسارت هم مانند زیان دیده، مسافر بوده و اقامتگاه او تبریز باشد، زیان دیده می‌تواند ضمن طرح شکایت کیفری در قالب جرائم رانندگی و صدمات جسمانی در دادگاه شیراز، مطالبه ضرر و زیان را نیز در همان دادگاه طرح نماید؛ زیرا به موجب ماده ۳۱۰ قانون آیین دادرسی کیفری، دادگاه شیراز به عنوان دادگاه محل وقوع جرم برای رسیدگی به این جرم صالح است و امکان رسیدگی به ضرر و زیان حاصل از جرم نیز وجود دارد. فایده طرح دعوی حقوقی به همراه دعوی کیفری آنست که موجبات تسریع در رسیدگی را فراهم خواهد آورد. به هر حال اعم از اینکه برابر ماده ۲۱ ق.آ.د.ک، دعوی کیفری به صدور قرار منع تعقیب و یا صدور حکم محکومیت مرتکب می‌انجامد، دادگاه کیفری برای رسیدگی به دعوی ضرر و زیان صالح است. ارتباط بین جرم و خسارات حاصله قانون‌گذار را بر آن داشت تا اجازه دهد دادگاه کیفری برخلاف صلاحیت ذاتی خویش به امر حقوقی نیز رسیدگی نماید. قانون‌گذار صرفاً به همان عامل ارتباط اساسی بین جرم و خسارت توجه داشته و از قاعده صلاحیت دادگاه محل اقامت خواهان و یا تفکیک صلاحیت ذاتی میان دادگاه حقوقی و کیفری چشم‌پوشی کرده است و این روش منطقی به نظر می‌رسد.

ب) صلاحیت دادگاه در دعوی مسئولیت مدنی نسبت به مال غیرمنقول

ماده ۱۲ ق.آ.د.م. رسیدگی به دعاوی در خصوص مالکیت، مزاحمت، ممانعت از حق، تصرف عدوانی و حقوق راجع به آن را نسبت به اموال غیرمنقول به دلیل ارتباط مستقیم دعوی با آن مال و ماهیت عینی دعوی، در صلاحیت دادگاه محل وقوع مال قرار داد. به موجب رأی وحدت رویه^۱ شماره ۳۱ مورخ ۵ آذر ۱۳۶۳ بین دعاوی مطالبه وجوه ناشی از عقود و قراردادهای با مطالبه وجوه و اجرت‌المثل ناشی از غیرعقود و قراردادهای در اموال غیرمنقول باید قائل به تفصیل شد و دعاوی دسته اول را منطوقاً از حیث صلاحیت محاکم در حکم منقول و دعاوی قسم دوم را مفهوماً راجع به غیرمنقول دانست و در نتیجه باید در دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول اقامه دعوی نمود. با این وصف برخی از نویسندگان رأی وحدت رویه یادشده را ناظر بر مواد ۲۱ و ۲۳ ق.آ.د.م. سال ۱۳۱۸ش می‌دانند که با وضع قانون جدید مصوب ۱۳۷۹ش، دیگر قابلیت اجرایی ندارد و دعوی خسارت ناشی از مسئولیت مدنی راجع به اموال غیرمنقول نیز در دادگاه محل اقامت خواننده قابل طرح می‌باشد (نهرینی، ۱۳۸۷، ص ۵۰). برخی دیگر بر عدم تفسیر ماده ۱۲ ق.آ.د.م. تأکید داشته، ماده ۱۲ را تنها ناظر به دعاوی راجع به حقوقی می‌دانند که به موجب قانون مدنی برای اشخاص نسبت به اموال

۱. برای ملاحظه عین رأی وحدت رویه شماره ۳۱ مورخ ۵ آذر ۱۳۶۳ ر.ک. شمس، ۱۳۸۶، ص ۱۶۸.

غیرمنقول حاصل شده، شامل هر دعوایی در خصوص اموال غیرمنقول نمی‌شود (شمس، ۱۳۸۶، ص ۱۶۸).

به نظر می‌رسد صرف اینکه موضوع دعوی مال غیرمنقول باشد، موجب پیدایش صلاحیت برای دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول نخواهد بود؛ زیرا دعوای راجع به مطالبه ثمن و اجاره‌بها در مال غیرمنقول همانند دعوای منقول در حوزه دادگاه محل اقامت خواننده قابل طرح است. برعکس مواردی که مطالبه وجوه مربوط به اجرت‌المثل باشد، به دلیل ارتباط بین مال موضوع دعوی و تعیین وجه آن به ناچار باید دادگاهی که مال غیرمنقول در حوزه‌اش واقع است به دلیل دسترسی آسان به آن مال و بررسی اوضاع و احوال مؤثر در تعیین اجرت‌المثل، اعم از تحقیق و معاینه محلی و نیز کارشناسی، از صلاحیت رسیدگی برخوردار باشد. مبنای افکار قانون‌گذار در موارد پیش گفته بر ارتباط داشتن یا نداشتن مال موضوع دعوی با حق مورد مطالبه استوار است، به طوری که در فرض اول نیازی به صلاحیت دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول نبوده و در فرض دوم به دلیل اهمیت ارتباط بین مال و خواسته مورد مطالبه (اجرت‌المثل) قانون‌گذار شایسته دانسته است تا دعوی در حوزه دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول طرح گردد. به این ترتیب، عامل ارتباط اساسی آن‌چنان حائز اهمیت است که در صورت وجود یا نبود آن، اثر مستقیم بر داشتن یا نداشتن صلاحیت دادگاه حسب مورد خواهد گذاشت.

اموال غیرمنقول نیز حسب مورد ممکن است موضوع ضمان قهری واقع و در پی آن خسارتی بر آن مال وارد شود؛ مانند غصب مال غیرمنقول که غاصب مکلف به بازگرداندن عین مال، جبران خسارت ناشی از نقص و عیب و تأدیه اجرت‌المثل خواهد بود. همچنین بر اثر استیفای بدون جهت و نامشروع، اگر شخصی از مال غیرمنقول دیگری بهره‌مند شود، قانون‌گذار استفاده‌کننده را به پرداخت اجرت‌المثل از باب ضمان قهری ملزم می‌داند (کاتوزیان، ۱۳۹۰، ص ۲۲۴، ۲۳۳، ۲۴۱ و ۳۴۷). در این موارد تعیین میزان خسارات وارده و یا هزینه‌های انجام‌شده که به شکل تعهدات غیرقراردادی پرداخت آن برعهده غاصب، استیفاکنده به‌طور نامشروع و یا مالک حسب مورد قرار می‌گیرد، الزاماً باید اوضاع و احوال استیفا و یا خسارات وارده و هزینه انجام‌شده با بررسی مال غیرمنقول صورت پذیرد. در این شرایط چگونه ممکن است دادگاه دیگری که در محل اقامت خواننده و دور از محل مال غیرمنقول واقع است، قادر به رسیدگی عادلانه نسبت به موضوع باشد؟ در دعوای راجع به مسئولیت مدنی در اموال غیرمنقول قطعاً بین واقعه پدیدآمده و خسارات حاصله و یا هزینه‌های ناشی‌شده با خود مال غیرمنقول رابطه مستقیم و خاصی وجود دارد که بدون لحاظ وضعیت آن مال، الزام به جبران خسارات از سوی دادگاه ممکن نیست. از این نظر میزان دخالت و نقش مال غیرمنقول به‌عنوان یک عامل ارتباط اساسی بر خسارات وارده دارای اهمیت است که این موضوع مهم می‌تواند در

سایر اموال منقول به شیوه دیگری بر اساس اوضاع و احوال محل وقوع حادثه و یا محل بروز خسارت، در رسیدگی به دعوی مسئولیت مدنی به عنوان معیار در نظر گرفته شود.

دادگاه صالح در نظام حقوقی اتحادیه اروپایی برای رسیدگی به تعهدات غیر قراردادی

در نظام حقوقی کشورهای اروپایی انجام اقداماتی برای رفع تعارض، از حیث صلاحیت دادگاه‌ها مشهود می‌باشد. ظهور کنوانسیون‌های خاصی مانند کنوانسیون رم ۱ ناظر بر تعهدات قراردادی و کنوانسیون رم ۲ راجع به تعهدات غیر قراردادی، مؤید همین امر است (نیکبخت و عیوض‌پور، ۱۳۹۰، ص ۱۴). در زمینه صلاحیت محاکم نسبت به تعهدات غیر قراردادی، کنوانسیون یا مقررۀ خاصی تصویب نشد، ولی در کنوانسیون‌های لاهه (۱۹۷۱)^۱، لوگانو (۱۹۸۸)^۲، بروکسل ۱ (۲۰۰۰)^۳، راجع به مرجع صالح در رسیدگی به دعاوی مربوط به تعهدات قراردادی و غیر قراردادی معیارهایی پیش‌بینی شده است. در کنوانسیون رم ۲ با آنکه مفاد آن برای تعیین قانون حاکم بر تعهدات غیر قراردادی تدوین گردید، ولی در آن مقرر به طور صریح به صلاحیت دادگاه‌ها در این نوع از دعاوی خاص اشاره نشده است. اما استفاده از معیارهای این کنوانسیون در راستای تنویر مفهوم و مصادیق تعهدات غیر قراردادی کمک شایانی می‌نماید. ماده ۱۷ کنوانسیون بروکسل ۱، تحت شرایط خاص به اصحاب دعوی مسئولیت مدنی اجازه توافقی در انتخاب دادگاه صالح را داده است (الماسی و میرحسینی، ۱۳۸۹، ص ۱۳ و ۱۴). صلاحیت دادگاه بر اساس توافق طرفین از حیطة بحث خارج است، زیرا بدیهی است همان‌گونه که در تعهدات غیر قراردادی طرفین برابر ماده ۱۴ کنوانسیون رم ۲ قادرند قانون حاکم بر موضوع متنازع‌فیه را با تراضی تعیین نمایند (نیکبخت و عیوض‌پور، ۱۳۹۰، ص ۳۴، ۳۵، ۳۶)، تعیین مرجع رسیدگی نیز از پیامدهای اصل حاکمیت اراده تلقی می‌شود. اصحاب دعوی مخیرند تا نسبت به تعیین مرجع رسیدگی اقدام نمایند، ولی اگر اشخاص به چنین توافقی دست نیابند، آیا قاعده صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده در نظام حقوقی اتحادیه اروپایی حاکم است و یا راهکارهای دیگری با فرض مناسب بودن آن‌ها برای زیان‌دیده وجود دارد؟ پیش از بررسی موضوع باید در آغاز به مفهوم و مصادیق مسئولیت مدنی و تعهدات غیر قراردادی در این کنوانسیون‌ها بپردازیم.

۱. کنوانسیون ۱۹۷۱م لاهه راجع به مسئولیت‌های ناشی از حوادث رانندگی در جاده‌ها

۲. کنوانسیون ۱۹۸۸م لوگانو راجع به شناسایی و اجرای احکام در امور مدنی و تجاری

۳. کنوانسیون ۲۰۰۰م بروکسل ۱ راجع به شناسایی و اجرای احکام در امور مدنی و تجاری

۱. مفهوم و مصادیق تعهدات غیر قراردادی در اتحادیه اروپا

در ۱۱ جولای ۲۰۰۷ شورای اروپا و پارلمان اروپا مقرره‌ای رم ۲ را به تصویب رساند. این مقرره متضمن تعیین مقررات حاکم بر تعهدات غیر قراردادی است (Zhang, 2009, P.881) و آنچه که در قلمرو تعهدات غیر قراردادی قابل تصور و به‌عنوان مهم‌ترین مصادیق آن به‌شمار می‌آید، در این مقرره جا گرفته است. قبل از وضع این مقرره، هیچ کنوانسیون یا مقرره‌ای این‌گونه به‌طور جامع به قلمرو مسئولیت مدنی نپرداخته بود. در کنوانسیون‌های لوگانو و بروکسل ۱ نیز صرفاً بر صلاحیت دادگاه محل بروز حادثه در زمینه مسئولیت مدنی برای رسیدگی بسنده شده است. برابر مقرره رم ۲، ماده ۱ تمامی تعهدات غیر قراردادی را که می‌تواند موجب پیدایش ضرر یا ایجاد مسئولیت برای عامل آن شود، دربر نمی‌گیرد؛ از جمله اقداماتی که دولت در مقام اعمال حاکمیت انجام می‌دهد (Gwynne, 2011, P.295). مسائلی مانند نفقه، تعهدات مربوط به اسناد تجاری، حقوق شرکت‌ها و اشخاص حقوقی و مسئولیت مدیران، خسارات ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای و نیز نقض حریم خصوصی (Zhang, op.cit, P.864) به دلیل مبانی خاص خود با آنکه می‌توانند سبب ورود ضرر و خسارت گردند از زمره تعهدات غیر قراردادی خارج‌اند. پس خسارت ناشی از فعالیت‌های هسته‌ای می‌تواند به اعمال دولت و یا معاهدات خاص بین‌المللی معطوف گردد و دارای ماهیت و مبانی متفاوت با موضوعات ضمان قهری است.

بر اساس مفاد بند ۲ و ۴ مقرره رم ۲، اساس تعهدات غیر قراردادی در درجه اول بر خسارات ناشی از مسئولیت مدنی (Tort) و شبه جرم (Delict) استوار می‌باشد، اما در همان ماده ۴، از مصادیق خاص مسئولیت مدنی از قبیل دارا شدن ناعادلانه، اداره فضولی مال غیر و خسارات ناشی از عدم انعقاد قرارداد نام برده شده و تفصیل آن در مواد ۱۰، ۱۱، ۱۲ آمده است. در مواد ۵ تا ۹ نیز در تعیین معیار شناسایی قانون حاکم، مصادیق دیگری از تعهدات غیر قراردادی که می‌تواند به بروز خسارت و بروز مسئولیت مدنی منتهی شود، پیش‌بینی شده است. مسئولیت ناشی از کالا^۱، رقابت ناعادلانه و محدودکننده رقابت آزاد^۲، خسارات زیست‌محیطی^۳، نقض حقوق مالکیت فکری^۴، اعتراضات صنفی^۵، از این جمله‌اند. موضوعات دیگر در مواد ۱۰، ۱۱ و ۱۲ مقرره رم ۲ با عنوان دارا شدن ناعادلانه، اداره فضولی مال غیر و مسئولیت ناشی از عدم انعقاد قرارداد، پیش‌بینی شده است. نویسندگان این موارد را تعهدات جبرانی یا اعاده به وضع سابق نامیده‌اند (Carruthers and Crawford, op.cit, P.261)؛ نیکبخت و علیجانی، ۱۳۸۹،

-
1. Product liability
 2. Unfair competition and acts restricting free competition
 3. Environment damage
 4. Infringement of intellectual property rights
 5. Industrial action

ص ۵۶). برخلاف موارد یادشده در مواد ۲ و ۴ تا ۹، آنچه که موجب بروز مسئولیت در این موارد می‌شود الزاماً ارتکاب تخلف یا تقصیر از سوی شخص نیست، بلکه بنابر وضعیت خاصی که این قبیل اقدامات به‌بار می‌آورد می‌تواند سبب ورود خسارت بر طرف دیگر شود. جبران خسارت ناشی از حوادث رانندگی نیز به‌طور صریح در کنوانسیون رم ۲ پیش‌بینی نشده است، اما این واقعه از شمول تعهدات غیرقراردادی خارج نمی‌باشد. اختصاص نیافتن موادی از کنوانسیون رم ۲ به حوادث رانندگی به این دلیل است که این کنوانسیون صرفاً در مقام ارائه معیاری برای تعیین قانون حاکم بر تعهدات غیرقراردادی به‌طور عام می‌باشد؛ درحالی که تردیدی وجود ندارد حوادث رانندگی به‌عنوان شایع‌ترین مصداق ضمان قهری تلقی گردیده، موجب بروز خسارت خواهد شد. به همین دلیل، برخی از نویسندگان برای تعیین ورود ضرر و زیان برای مثال از این نوع حوادث نام می‌برند (Hartley, 2008, P.901; Weitraub, 2008, P.408). بر همین اساس، ماده ۳۳ مقدمه مقررده رم ۲ در خصوص جبران خسارات زیان‌دیده ناشی از حوادث رانندگی جاده‌ای بر این امر تأکید نمود که دادگاه رسیدگی‌کننده به دعوی آسیب‌های جسمانی زیان‌دیده در مواردی که حادثه در محلی غیر از محل اقامت عادی زیان‌دیده واقع شده است، تمام اوضاع و احوال خاص زیان‌دیده از جمله ضرر و زیان واقعی، هزینه درمان و مراقبت را در نظر داشته باشد. این امر مؤید آنست که قلمرو مسئولیت مدنی در کنوانسیون رم ۲ شامل حوادث رانندگی نیز می‌شود. در مواد ۲، ۴ تا ۹ این کنوانسیون از یکسو مصادیق دقیق ضمان قهری توأم با آنچه که در ماده ۳۳ مقدمه مقررده راجع به حوادث رانندگی ذکر شده، به‌منظور تعیین قانون حاکم بر این وقایع برشمرد شده است. سایر موضوعات مرتبط با تعهدات غیرقراردادی نیز در مواد ۱۰، ۱۱، ۱۲، با عناوین دارا شدن ناعادلانه، اداره فضولی مال غیر و مسئولیت ناشی از عدم انعقاد قرارداد تصریح گردید. دشوارتر از وضعیت کنوانسیون رم ۲، کنوانسیون بروکسل ۱ است که در بندهای ۳ و ۴ ذیل ماده ۵ بی‌آنکه قاعده کلی یا مصادیق خاصی را ارائه نماید در مقام تعیین دادگاه صالح برای رسیدگی به خسارت ناشی از تعهدات غیرقراردادی به موضوعاتی از قبیل جرم، شبه جرم، مسئولیت مدنی اشاره کرده است. از این نظر می‌توان همان معیارها و مصادیق ارائه‌شده در کنوانسیون رم ۲ را به‌نوعی جامع‌تر و کاربردی‌تر دانست.

۲. دادگاه صالح در رسیدگی به تعهدات غیرقراردادی براساس کنوانسیون‌های

حاکم

در قلمرو حقوق بین‌الملل خصوصی مشکلات مربوط به نبود اقامتگاه مشترک طرفین دعوی و

یا نداشتن تابعیت واحد بین آنها شایع‌تر از دعوی در حقوق داخلی است. دادگاه رسیدگی‌کننده در ابتدا احراز صلاحیت خویش برای پذیرش دعوی را مهم‌تر از هر موضوع دیگری می‌داند. هنگامی که خوانده در حوزه دادگاه رسیدگی‌کننده به دعوی، اقامت داشته باشد، برابر قاعده عام پذیرفته‌شده بین کشورها مبنی بر صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده، استماع دعوی و صدور حکم با مانع خاصی روبرو نیست. اما همیشه این قاعده راه‌حل مفیدی برای خواهان زیان‌دیده نیست، زیرا ممکن است خوانده دارای اقامتگاه معین نباشد. در نظام‌های حقوقی کشورهای مختلف، راه‌حل‌های متفاوتی برای رفع این مشکل خواهان از حیث صلاحیت محاکم پیش‌بینی گردید. مانند آنکه در حقوق ایران خواهان حق اقامه دعوی در اقامتگاه خویش را دارد و در حقوق فرانسه ماده ۱۴ ق.م. بر اساس تابعیت فرانسوی، خواهان به وی حق طرح دعوی در دادگاه فرانسه را می‌دهد؛ اگرچه موضوع مورد اختلاف و طرف دعوی در فرانسه نباشند. در حقوق آلمان نیز برابر ماده ۲۳ قانون آیین دادرسی مدنی، وجود مالی از خوانده در کشور آلمان برای صلاحیت دادگاه در رسیدگی به دعوی علیه خوانده‌ای که در آلمان اقامت ندارد، کافی خواهد بود (Russel, 1993, P.59-61). همچنین در حقوق انگلیس تنها با فراهم آمدن امکان ابلاغ به خوانده در آن کشور، با وجود آنکه خوانده در انگلیس اقامت نداشته باشد، دادگاه‌های انگلیس برای رسیدگی به دعوی خواهان صالح خواهند بود (نصیری، ۱۳۷۰، ص ۳۶۷). کشورهای عضو اتحادیه اروپا معیارهای موجود را به‌طور همه‌جانبه پاسخگوی نیاز زیان‌دیده در برابر خوانده‌ای که با وی دارای اقامتگاه مشترک در یک کشور نیست، ندانسته‌اند و در صدد وضع کنوانسیون‌های مختلفی به‌منظور رفع این مشکلات بوده‌اند. در تعهدات غیرقراردادی که منشأ و سبب ورود خسارت بسیار متنوع و وسیع‌تر از تعهدات قراردادی می‌باشد، احتمال قرار گرفتن سبب دعوی در حوزه صلاحیت دادگاه‌های متفاوت با دادگاه محل اقامت خوانده وجود خواهد داشت. به این ترتیب، به برخی از کنوانسیون‌های مهم که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم با صلاحیت دادگاه‌ها در رسیدگی به تعهدات غیرقراردادی مرتبط هستند، می‌پردازیم.

۱.۲. مقررۀ بروکسل ۱

یکی از قدیمی‌ترین اسناد بین‌المللی در زمینه تعیین صلاحیت دادگاه‌ها و شناسایی اجرای آرا در زمینه امور مدنی و تجاری، کنوانسیون بروکسل است که کشورهای عضو شورای اروپا در ۲۷ دسامبر ۱۹۶۸ آن را به تصویب رساندند، سپس در دسامبر ۲۰۰۰ طی مقررۀ بروکسل ۱ به شماره ۴۴/۲۰۰۱ اصلاحیه‌ای در خصوص آن صادر کردند (Russell, 1993, P.65)؛ مافی و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۶۹) و پس از انجام اصلاحات در کنوانسیون بروکسل، نسخه اصلاح‌شده را

مقرره بروکسل ۱ نامیدند^۱ (Larobina, and Pate, 2001, P10). این مقرره در ماده ۲، اصل را بر صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده نهاده است. مشروط بر اینکه خوانده در یکی از کشورهای عضو مقرره مقیم باشد؛ در غیر این صورت به ناچار باید به قانون داخلی کشورهای عضو مراجعه نمود. برای مثال، اگر شخصی مقیم انگلیس علیه شخص دیگری که او نیز مقیم انگلیس است به دلیل حادثه رانندگی که در کشور غیر عضو و خارج از کشور انگلیس واقع شده است طرح دعوی نماید، دادگاه‌های انگلیس به اعتبار اقامت داشتن عامل وقوع خسارت در انگلیس، صلاحیت رسیدگی به دعوی را خواهند داشت؛ با آنکه حادثه در خارج از انگلیس و خارج از کشورهای عضو اتفاق افتاده است. برعکس، اگر عامل حادثه در کشور انگلیس اقامت نداشته باشد، در این صورت دادگاه‌های انگلیس به علت اقامت نداشتن خوانده در کشورهای عضو، برابر مفاد مقرره فاقد صلاحیت می‌باشند و باید بر اساس قوانین داخلی کشور محل اقامت عامل حادثه عمل شود؛ همانند آنچه که در حقوق فرانسه داشتن تابعیت و یا در حقوق استرالیا وجود اموالی از خوانده در کشورشان می‌تواند مبنای صلاحیت برای رسیدگی به دعوی باشد (Baumgartner, 2001, P.570). در برخی موارد، کشورهای عضو با این مشکل مواجه‌اند که آیا مقرره صرفاً علیه خوانده‌ای که در کشورهای عضو مقیم می‌باشد، قابلیت اعمال خواهد داشت، یا خیر. با این توضیح که اگر الف در کشور نیوزیلند باعث ورود ضرر به ب گردد و ب مقیم نیوزیلند باشد و علیه الف که در انگلستان اقامت دارد طرح دعوی نماید، ایراد عدم صلاحیت دادگاه انگلیس از سوی الف به‌عنوان خوانده مسموع نیست و برابر ماده ۲ کنوانسیون بروکسل ۱، دادگاه انگلیس برای رسیدگی به موضوع صلاحیت خواهد داشت (Larobina, op.cit. P.16; Bougen, op.cit, P.273).

صرف نظر از قاعده عام صلاحیت در ماده ۲، برخی دادگاه‌ها به‌موجب مفاد ماده ۴ و با رعایت مواد ۲۲ و ۲۳ مقرره دارای صلاحیت رسیدگی به موضوعاتی خواهند بود که در بخش ششم مقرره بروکسل ۱ از آن به‌عنوان صلاحیت انحصاری نام برده شده است؛ مانند صلاحیت دادگاه محل وقوع مال غیرمنقول، دادگاه محل اقامت اشخاص حقوقی و شرکت‌ها در خصوص تصمیمات راجع به تشکیل، انحلال، و بطلان آن‌ها و اجرای احکام. همچنین صلاحیتی که برای هریک از دادگاه‌های دیگر کشورهای عضو کنوانسیون حسب توافق طرفین و با رعایت ماده ۲۳ پدیدار می‌گردد، در زمره صلاحیت‌های انحصاری شمرده می‌شود.

وانگهی، آنچه مهم‌تر از صلاحیت عام و انحصاری محسوب می‌گردد و فلسفه انعقاد مقرره در آن نهفته است، صلاحیت استثنایی است که برخی از آن به‌عنوان صلاحیت خاص یاد کرده‌اند

۱. در حال حاضر مقرره شماره ۲۰۱۲/۱۲۱۵ مورخ ۱۲ دسامبر ۲۰۱۲، جانشین مقرره بروکسل ۱ به شماره ۴۴/۲۰۰۱ مورخ ۲۲ دسامبر ۲۰۰۰ گردیده است.

(کریمی و کاویار، ۱۳۸۹، ص ۲۴۴). به منظور رفاه حال خواهان زیان دیده و کاهش مشکلات طرح دعوی برای او، مقرره با در نظر گرفتن برخی دلایل که می تواند منشأ و سبب دعوی تلقی گردد، اجازه داد تا دعوی در حوزه دادگاهی که خوانده در آن محل اقامت ندارد، طرح شود. این صلاحیت از این نظر استثنایی تلقی می شود که قاعده عام صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده یاد شده در ماده ۲، به وسیله مواد ۵ تا ۲۱ در زمینه موضوعات اجرای قراردادها، اجرای تعهدات راجع به فروش و تحویل، موضوعات در خصوص مسئولیت مدنی، تراست، بیمه و غیره را تعدیل نموده است. در این گونه موضوعات، دیگر صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده تنها ملاک برای طرح دعوی نیست. برای مثال، دادگاه محل اقامت مصرف کننده در کنار دادگاه محل اقامت خوانده برابر ماده ۱۶ و نیز دادگاه محل وقوع حادثه و تحقق جرم یا شبه جرم و شبه عقد در کنار دادگاه محل اقامت خوانده برابر بند ۳ ماده ۵ مقرره، صلاحیت رسیدگی به دعوی را خواهند داشت. بند ۳ از ماده ۵ مقرره نه تنها محل بروز حادثه را برای رسیدگی صالح دانسته، بلکه حوادثی را که ممکن است واقع شود، مورد توجه قرار داده است؛ مانند خسارات ناشی از انتشار مطالب در روزنامه که چاپ و نشر بعدی آن می تواند به عنوان یک تعهد غیر قراردادی و مسئولیت مدنی به خسارت منجر شود؛ در این صورت دادگاه محل وقوع احتمالی حادثه برای رسیدگی صالح دانسته شده است (Beaumont and Raulus, op.cit, p.111).

در حال حاضر کشورهای عضو مقررۀ بروکسل ۱ در دعاوی راجع به تعهدات غیر قراردادی، دادگاه محل وقوع حادثۀ زیان بار را به عنوان مرجع صالح برای رسیدگی به دعوی جبران خسارات وارده در کنار دادگاه محل اقامت خوانده به رسمیت شناخته اند. خواهان برابر کنوانسیون پیش گفته مخیر است به هر یک از این دو دادگاه مراجعه نماید. تفاوتی نیز نخواهد داشت که منشأ و سبب واقعه زیان بار ناشی از کدام یک از عناوین مسئولیت مدنی باشد، زیرا نقض الزامات قانونی که به ورود ضرر بینجامد، برای اقامۀ دعوی مسئولیت مدنی و جبران خسارت کافی است؛ اعم از اینکه مبنای آن حوادث رانندگی، اتلاف، تسمیب، دارا شدن ناعادلانه، خسارات زیست محیطی یا نقض حقوق فکری باشد و یا هر نوع اقدام نامشروع و غیرقانونی دیگری که موجب تحمیل ضرر نامتعارف گردد.

برابر بند ۳ ماده ۵ مقررۀ یاد شده، باید عبارت محل وقوع حادثۀ زیان بار را ناظر بر صلاحیت دادگاه محلی که حادثۀ منشأ ورود خسارت در آن محل اتفاق افتاده و نیز شامل محل بروز خسارت که همان نتیجۀ یک واقعه زیان بار است نیز دانست و دادگاه این محل نیز صلاحیت رسیدگی خواهد داشت. دیوان دادگستری اتحادیۀ اروپا در سال ۱۹۹۵م در پروندۀ «Alliance.V. Shevill» با تفسیر بند ۳ ماده ۵، هر دو دادگاه محل وقوع حادثه و محل تحقق خسارت را برای رسیدگی صالح دانسته است (صادقی، ۱۳۸۹، ص ۵۸). این نظر مورد تأیید

نویسندگان دیگر نیز واقع شده است و محل وقوع فعل زیان بار را شامل محل حادثه منشأ زیان هم دانسته‌اند (زرکلام، ۱۳۸۷، ص ۴۴۶). در رأی شماره ۲۱/۷۶- C مورخ ۳۰ نوامبر ۱۹۷۶ در دعوی «هندلز علیه منیز» دیوان دادگستری اتحادیه اروپا مقرر داشت، عبارت محل وقوع حادثه زیان بار باید به گونه‌ای تفسیر گردد تا هم مکان ورود خسارت و هم نقطه شروع ورود خسارت را شامل شود. از این نظر، ادعای خواهان مبنی بر ورود ضرر ناشی از آلوده کردن آب رودخانه راین در فرانسه، محمول بر صحت واقع و دادگاه محل ورود ضرر هم برای رسیدگی صالح شناخته شده است (Silberman, 1995, P.400؛ زوزانا اسلواکوا، ۱۳۸۹، ص ۱۵۷). با آنکه حسب تفسیر مفاد مقررۀ بروکسل ۱ اعطای صلاحیت به هر دو دادگاه صحیح و مبتنی بر واقعیت است، ولی با وضع مقررۀ رم ۲ در سال ۲۰۰۷م که ناظر بر تعیین قانون حاکم بر تعهدات غیر قراردادی است، تمایل بر تفاوت میان محل بروز حادثه زیان بار با محل وقوع خسارت مشهود است.^۱

۲.۲. کنوانسیون لوگانو

دومین سند بین‌المللی راجع به تعیین صلاحیت و اجرای احکام نسبت به موضوعات مدنی و تجاری، کنوانسیون لوگانو است. کشورهای عضو افتا^۲ با کشورهای عضو جامعه اروپا در ۱۶ سپتامبر ۱۹۸۸ توافقی در لوگانو منعقد نموده‌اند که به کنوانسیون موازی یا همان لوگانو شهرت یافت^۳ (Boumgarther, op.cit, P.571). دلیل اینکه کنوانسیون لوگانو کنوانسیون موازی نامیده می‌شود این است که کشورهای عضو افتا مقررۀ بروکسل ۱ را نپذیرفتند، ولی طی توافق با کشورهای عضو اتحادیه اروپا که به مقررۀ بروکسل پیوسته بودند، در صدد برآمدند تا از مزیت‌های کنوانسیون بروکسل راجع به تعیین صلاحیت و اجرای احکام در زمینه امور مدنی و تجاری بهره‌مند شوند (اشیتوف، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۰۹۲). کنوانسیون لوگانو شباهت بسیاری به مقررات بروکسل دارد. به عقیده برخی، محتوا و مبنای این دو کنوانسیون یکسان است (Russell, op.cit, P.69). مهم‌ترین دلیل نپیوستن کشورهای عضو افتا به مقررۀ بروکسل نیز آن بود که این کشورها تمایلی نداشتند که نقش دیوان دادگستری اتحادیه اروپا را در تفسیر مقررۀ بروکسل بپذیرند. با اصلاحاتی که در سال ۲۰۰۲م در کنوانسیون لوگانو صورت پذیرفت، خاصه بند ۱ ماده ۶۴ و همچنین پروتکل شماره ۲ الحاقی پیش‌بینی شده در ماده ۷۵ کنوانسیون،

۱. در خصوص مقررۀ رم ۱ ر.ک. مافی، همایون، تقی‌پور، محمد حسین (زمستان ۱۳۹۴)، قانون قابل اعمال بر تعهدات قراردادی در حقوق اتحادیه اروپا و آمریکا، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال چهارم، شماره ۱۳.

۲. کشورهای عضو افتا: اتریش، فنلاند، ایسلند، نروژ، سوئد و سوئیس (Jenard, and Moller, op.cit. P.63).

۳. کنوانسیون لوگانو ۱۹۸۸م در خصوص صلاحیت و شناسایی و اجرای احکام نسبت به موضوعات مدنی و تجاری، در ۳۰ اکتبر ۲۰۰۷ تغییر یافت.

صلاحیت دیوان دادگستری اتحادیه اروپا برای تفسیر کنوانسیون پذیرفته شد (Baume, 2006, P.683; Jenard and Moller, P.65-67).

صرف نظر از تفاوت‌هایی که بین دو کنوانسیون لوگانو و مقررۀ بروکسل به‌طور جزئی وجود دارد، مانند آنچه که در مواد ۲۲ و ۲۳ کنوانسیون لوگانو راجع به ارتباط موضوع یک دعوی با صلاحیت دادگاه‌های مختلف پیش‌بینی شده، در سایر موضوعات به‌ویژه صلاحیت دادگاه در رسیدگی به تعهدات غیرقراردادی، مقررات یادشده از وضعیت مشابه و یکسانی برخوردار است (Baume, op.cit, P.684). به نظر برخی بر اساس رأی صادره در پروندۀ «Bier Rein Water» علیه «Mines» در ۳۰ نوامبر ۱۹۷۶، عبارت محل وقوع حادثۀ زیان‌بار هم به دادگاه محل بروز سبب تحقیق حادثه و هم بر محل ورود خسارت اطلاق دارد و هریک از دو دادگاه صلاحیت رسیدگی به دعوی را در کنار دادگاه محل اقامت خوانده دارا می‌باشند (Jenard and Moller, op.cit, P.99). پس در هر موردی که موضوع دعوی مسئولیت ناشی از تعهدات غیرقراردادی باشد، منشأ بروز واقعه حقوقی یک عامل ارتباط یا سبب خاصی تلقی می‌شود که در نتیجۀ آن دادگاهی غیر از دادگاه محل اقامت خوانده صالح به رسیدگی خواهد بود. به عقیدۀ نویسندگان به دلیل وجوه اشتراک بین این دو مقررۀ در بسیاری از موضوعات، اعمال مقررات کنوانسیون لوگانو به اجرای مقررۀ بروکسل آسیبی وارد نخواهد کرد؛ زیرا اگر اختلاف به اشخاص مقیم در دو کشور متعاهد مقررۀ بروکسل مربوط باشد، این مقررۀ اعمال می‌شود و اگر مربوط به اشخاص مقیم کشورهای عضو افتا باشد، کنوانسیون لوگانو اعمال خواهد شد. درنهایت اگر یکی از طرفین مقیم کشور متعاهد مقررۀ بروکسل و طرف دیگر مقیم کشور متعاهد کنوانسیون لوگانو باشد، بی‌آنکه مشکلی بروز نماید، هریک از دو مقررات اشاره‌شده قابل اجرا خواهد بود، زیرا قواعد اجرا در هر دو مشابه است (اشمیتوف، همان، ص ۱۰۹۲).

۳.۲. مقررۀ رم ۲

سند دیگر مربوط به تعهدات غیرقراردادی، مقررۀ رم ۲ مصوب ۱۱ جولای ۲۰۰۷ پارلمان و شورای اروپایی می‌باشد. این مقررۀ مکمل کنوانسیون رم ۱۹۸۰ و کنوانسیون رم ۱ مصوب ۲۰۰۸ میلادی راجع به تعهدات قراردادی است (Zhang, op.cit, P.861). مقررۀ رم ۲ برای اولین بار قواعد یکسانی را برای مسئولیت مدنی در اتحادیه اروپا در خصوص قواعد حقوق بین‌الملل خصوصی راجع به تعهدات مدنی و تجاری نهادینه کرده است. این مقررۀ تلاش دارد تا کلیۀ دادگاه‌ها در اتحادیه اروپا قواعد متحدالشکلی را در خصوص شبه جرم‌ها اعمال کرده، به این وسیله نظام حقوقی یکسانی بر تعهدات غیرقراردادی حاکم شود (مافی، ۱۳۹۲، ص ۳۱۰). فلسفۀ وضع مقررۀ رم ۲، تعیین قانون حاکم بر تعهدات غیرقراردادی است. با آنکه به اصل

حاکمیت قانون محل وقوع حادثه در بند ۱۵ از مقررات کلی مقرر شده، اما در ماده ۴ آن با نوآوری قانون، محل بروز خسارت به عنوان معیار یا اصل معرفی گردیده است؛ مگر اینکه مقرر قانون دیگری را به عنوان قانون حاکم تعیین کرده باشد. برخلاف مقررات بروکسل ۱، محل وقوع حادثه در این مقرر اهمیت ندارد، زیرا هدف مقرر این است که تمامی موارد حتی فرضی که عمل زیان بار و عامل آن در کشور دیگری اقامت داشته باشند، تحت حاکمیت قانون محل بروز خسارت قرار داشته باشند (Hartley, 2008, P.889). متعاهدین مقرر به این نتیجه دست یافته اند که در تعهدات غیر قراردادی صرف وقوع حادثه در محل خاص به عنوان تنها معیار تعیین قانون حاکم نمی تواند معیار کافی برای تأمین حقوق زیان دیده باشد. از این رو، ممکن است در شرایط خاص قانون دیگری ارتباط بیشتری با موضوع واقعه حقوقی داشته باشد. در این صورت، شایسته است همان قانون که با منشأ بروز حادثه نزدیک تر است حاکمیت داشته باشد (Carruthers and Elizabeth, op.cit. P.251-252). از مزیت های مقرر رم ۲ این است که به عنوان مهم ترین سند بین المللی به طور جامع به قلمرو و مصادیق الزامات خارج از قرارداد می پردازد. ولی این مقرر هم زمان با تعیین قانون حاکم، هیچ نص خاصی برای تعیین مرجع صلاحیت دار به دست نداده است. از یک جنبه این حقیقت همچنان پا برجاست که کشورهای عضو اتحادیه اروپا، به جز دانمارک، مفاد مقرر رم ۲ را پذیرفته اند و در تمامی کشورها متعاهد، این مقرر لازم الاجرا است (نیکبخت و علیجانی، ۱۳۸۹، ص ۲۲). بنابراین، طبیعی خواهد بود که همان کشورها در خصوص تعیین صلاحیت محاکم و شناسایی اجرای احکام مدنی و تجاری به کنوانسیون های لوگانو یا بروکسل ۱ حسب مورد بپیوندند. مقررات اخیر که مرجع صالح برای رسیدگی به دعاوی را به طور مطلق پیش بینی نموده است، شامل دعاوی ناشی از مسئولیت مدنی هم خواهد شد؛ زیرا مقرر رم ۲، قلمرو و مصادیق این قبیل دعاوی را توأم با قانون حاکم تعیین نموده است. پس نباید از این نظر دعاوی مربوط به ضمان قهری و تعهدات غیر قراردادی را دارای وضعیت خاص و مستثنا از سایر دعاوی دانست. مؤید آن بند ۳ ماده ۵ کنوانسیون لوگانو و مقرر بروکسل است که هر دو به دعاوی ناشی از مسئولیت مدنی پرداخته، دادگاه محل وقوع حادثه زیان بار را برای رسیدگی به ادعاهای مربوط به تعهدات غیر قراردادی صالح می دانند.

نتیجه

در حقوق ایران به طور صریح در کنار قاعده عام صلاحیت دادگاه محل اقامت خواننده، دادگاه دیگری برای رسیدگی به دعاوی ناشی از تعهدات غیر قراردادی وجود ندارد. خواهان اگر محل اقامتی برای خواننده سراغ نداشته باشد، برابر ماده ۱۱ ق.آ.د.م. باید در محل سکونت او و اگر

محل سکونت نداشته باشد، در محل وقوع مال غیرمنقول و با فرض ناامیدی، نهایتاً در محل اقامت خود اقامه دعوی نماید. معیار مندرج در بخش پایانی ماده ۱۱ و همچنین مفاد ماده ۹۷۱ ق.م. در بسیاری از موارد راهکاری ناکارآمد است. در مواردی که خواهان در ایران اقامتگاه دارد، صرف تحصیل رأی به نفع زیان دیده ملاک نیست، زیرا رأی صادره باید در کشور دیگری که خوانده در آنجا اقامت دارد، به اجرا درآید. آرای که در کشورهای دیگر اجرا می‌شود، بایستی یا مبتنی بر کنوانسیون‌های پذیرفته شده باشد و یا قوانین داخلی کشوری که رأی باید در آنجا اجرا گردد، آن را شناسایی نمایند. پس باید اصول فراملی آیین دادرسی مدنی در مبحث صلاحیت‌ها لحاظ شود. در حال حاضر، برابر ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی مدنی در دعاوی مربوط به تعهدات قراردادی علاوه بر قاعده صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده، دادگاه محل انعقاد قرارداد و دادگاه محل اجرای تعهدات نیز در دعاوی بازرگانی و اموال منقول صلاحیت رسیدگی دارند. به دلیل نبود نصی مشابه مفاد ماده ۱۳ در تعهدات غیرقراردادی، به نظر می‌رسد وجود این اختیار صرف برای خواهان در ذیل ماده ۱۱ ق.آ.د.م. برای اقامه دعوی در محل اقامت خویش با وجود مفاد ماده ۹۷۱ قانون مدنی نمی‌تواند پاسخگوی اشخاص زیان دیده در طرح دعوی مسئولیت مدنی باشد. مفاد این ماده را می‌توان تنها در مواردی که دادگاه‌های ایران صلاحیت انحصاری دارند، مانند دعاوی مرتبط به اموال غیرمنقول جاری بدانیم. به این ترتیب، پیش‌بینی معیارهای نوین صلاحیت برای رسیدگی در دعاوی راجع به تعهدات غیرقراردادی، مانند صلاحیت دادگاه محل وقوع حادثه، محل ورود خسارت، و محل اقامت زیان دیده، در قوانین داخلی ایران دارای اهمیت است. برای اینکه دادگاه‌های ایران نسبت به دعاوی راجع به مسئولیت مدنی علیه خواندگانی که در ایران اقامتگاه، محل سکونت و یا مال غیرمنقول ندارند، قادر به رسیدگی و صدور رأی باشند، بهره‌مندی از مفاد مقررات منطقه‌ای از جمله مقررۀ بروکسل ۱، کنوانسیون لوگانو، و مقررۀ رم ۲ و اعمال آن در قوانین داخلی راهکاری مناسب می‌باشد؛ زیرا هم در مقررۀ بروکسل ۱ و هم در مقررۀ رم ۲ در خصوص تعیین قانون حاکم بر تعهدات قراردادی، اصل حاکمیت اراده به‌عنوان یک عامل مهم و مؤثر در تعیین صلاحیت دادگاه و یا قانون حاکم، به رسمیت شناخته شده است. در کنوانسیون لوگانو و مقررۀ بروکسل ۱ نیز معیارهای صلاحیتی دیگری در کنار اصل صلاحیت دادگاه محل اقامت خوانده، از قبیل محل وقوع حادثه، محل اقامت زیان دیده، محل اقامت مصرف‌کننده و محل بروز خسارت به‌منظور رفاه خواهان و عامل ارتباط اساسی، تصریح گردید. از این گام‌های مثبت و تازه‌ای که در کنوانسیون‌ها و مقررات یادشده برای تضمین و تأمین حقوق اشخاص در سطح اتحادیه اروپا برداشته شد، باید در بازخوانی دوباره حقوق داخلی ایران به‌منظور تکامل قوانین و رفع مشکلات موجود بهره جست.

منابع و مأخذ

الف) فارسی

۱. ابهری، حمید و برزگر، محمدرضا (۱۳۹۰)، آئین دادرسی مدنی، ج ۱، چ ۱، بابلسر: نشر دانشگاه مازندران.
۲. اشمیتوف، کلایوام (۱۳۷۸)، حقوق تجارت بین الملل، ترجمه اخلاقی بهروز و دیگران، ج ۲، چ ۱، تهران: سمت.
۳. الماسی، نجادعلی (۱۳۸۹)، تعارض قوانین، چاپ هفدهم، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۴. الماسی، نجادعلی و میرحسینی، مجید (۱۳۸۹)، حاکمیت اراده در تعیین قانون حاکم بر مسئولیت مدنی در مقررات متحدالشکل روم ۲ و حقوق ایران؛ مجله حقوق خصوصی، ش ۱۷، ص ۵ تا ۲۸.
۵. جعفری تبار، حسن (۱۳۸۹)، مسئولیت مدنی کالاها، چ ۱، تهران: نشر دادگستر.
۶. زوزانا، اسلواکوا (۱۳۸۹)، «دادگاه صالح و قانون حاکم بر دعوی ناشی از نقض علائم تجاری اینترنتی در اتحادیه اروپا»، ترجمه صادقی محسن، کلویار حسین، ماهنامه کانون سردفتران، ش ۱۱۲، ص ۱۵۰ تا ۱۷۱.
۷. زراعت، عباس (۱۳۸۹)، محشای قانون آئین دادرسی مدنی، چ ۳، تهران: انتشارات ققنوس.
۸. سلجوقی، محمود (۱۳۸۶)، حقوق بین الملل خصوصی، ج ۲، چ ۴، تهران: نشر میزان.
۹. شمس، عبدالله (۱۳۸۱)، آئین دادرسی مدنی، ج ۱ و ۲، چ ۲، تهران: نشر میزان.
۱۰. شمس، عبدالله (۱۳۸۶)، آئین دادرسی مدنی بنیادین، ج ۱، چ ۱، تهران: نشر دراک.
۱۱. صفایی حسین (۱۳۷۴)، مباحثی از حقوق بین الملل خصوصی، چ ۱، تهران: نشر میزان.
۱۲. صفایی، حسین و رحیمی، حبیب الله (۱۳۹۰)، مسئولیت مدنی، چ ۲، تهران: سمت.
۱۳. صفایی، حسین و قاسم زاده، مرتضی (۱۳۷۵)، اشخاص و محجورین، چ ۱، تهران: سمت.
۱۴. صادقی، محسن (۱۳۸۹)، «مطالعه تطبیقی تعیین مرجع صالح رسیدگی به دعوی حقوق نقض اسرار تجاری در فضای دیجیتالی» پژوهشنامه بازرگانی، ش ۵۵، ص ۴۷ تا ۷۴.
۱۵. غریبه، علی (۱۳۹۰)، «دادگاه صالح و قانون حاکم بر مسئولیت مدنی بین المللی، اینترنت پورتال جامع علوم انسانی <http://www.ensani.ir/fa/content/141003/default.aspx>
۱۶. غمامی، مجید و محسنی، حسن (۱۳۹۰)، آئین دادرسی مدنی فراملی، چ ۱، تهران: سهامی انتشار.
۱۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۴)، مسئولیت ناشی از عیب تولید چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۱۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰)، مسئولیت مدنی، ج ۱، چ ۱۰، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۱۹. کریمی، عباس (۱۳۸۶)، آئین دادرسی مدنی، چ ۱، تهران: انتشارات مجد.
۲۰. کریمی عباس و کاویار، حسین (۱۳۸۹)، «صلاحیت قضایی در دعاوی ناشی از قراردادهای اینترنتی»، فصلنامه حقوق دانشگاه تهران، دوره ۴۰، ش ۱، ص ۲۳۹-۲۳۹.
۲۱. مافی، همایون و قادری، نسبیه (۱۳۹۱)، «شناسایی و اجرای احکام خارجی در حقوق ایران»، ارجنامه دکتر الماسی، به کوشش حسن محسنی، چ ۱، تهران، سهامی انتشار.
۲۲. مافی، همایون؛ محمدی، سام؛ کاویار، حسین (۱۳۹۰)، «دادگاه صالح برای رسیدگی به دعاوی ناشی از قراردادهای الکترونیکی» مجله حقوقی دادگستری، ش ۷۴، ص ۱۹۰-۱۶۱.
۲۳. مافی، همایون (۱۳۹۲)، تعیین قانون قابل اعمال بر تعهدات غیر قراردادی در مقرره رم ۲ اتحادیه اروپا، مجله حقوقی بین‌المللی، ش ۵۳، ص ۳۱۴-۲۸۷.
۲۴. متین دفتری، احمد (۱۳۷۸)، آئین دادرسی مدنی، ج ۱، چ ۱، تهران: انتشارات مجد.
۲۵. محسنی، حسن (۱۳۹۱)، آئین دادرسی مدنی فرانسه، چ ۲، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۶. نهرینی، فریدون (۱۳۷۸)، «مسئولیت مدنی و قهری از حیث صلاحیت محاکم»، نشریه حقوق قضاوت، ش ۵۰، ص ۴۸-۵۵.
۲۷. نصیری، مرتضی (۱۳۷۰)، حقوق چندملیتی، چ ۱، تهران: نشر دانش امروز.
۲۸. نیکبخت، حمیدرضا و عبوض پور، علی اصغر (۱۳۹۰) «اصل حاکمیت اراده به عنوان قاعده حل تعارض در تعهدات غیرقراردادی» مجله حقوقی بین‌المللی، ش ۴۴، ص ۵۴-۱۳.
۲۹. نیکبخت، حمیدرضا و علیخانی، حمیدرضا (۱۳۸۹)، «قانون قابل اعمال بر تعهدات غیرقراردادی»، مجله تحقیقات حقوقی دانشکده حقوق دانشگاه شهید بهشتی، ش ۵۲، ص ۲۰۲-۲۳۳.

(ب) انگلیسی

30. . Bougen D Chistofher. (2002), Conflict Approaches to Conflicts of Jurisdiction: The Brussels Convention and Forum Non Convenient. 33 Victoriau. Wellington L. Rev. 261., available at <http://hein on line.org>.
31. Beaumont, Pall and Raulus Helena.(2002), Update on Private International Law in the European Union-2001 citation: 96 Am. Proc 109. available at, <http://heinonline.org>.
32. Gwynne, Richard.(2011), Rome II Regulation, 12 Bus. L. Intl 293, available at, <http://heinonline.org>.
33. Zhang, Mo.(2009), Party Autonomy in Non-contractual Obligation: Rome II and its Impacts on Choice of Law, 39 Seton, Hell L. Rev, 881. available at, <http://heinonline.org>.
34. Carrythers, Janeen and Crawford Elizabeth.(2005), Variations on a Them of

- Rome II ,Reflections on Proposed Choice of Law Rule for Non-contractual Obligation. 9 Edinburgh L. Rev. 238. available at, <http://Heinonline.org>.
35. Weitraub, Russell.(2008), The Choice- of Law. Rules of European Community Regulation on the Law Applicable to Non- contractual Obligations" 43 tex. Intl.J 401-427. available at <http://heinonline.org>.
36. Russell, Kathryn.(1933), Exorbitant, Jurisdiction, and Enforcement, of Judgments, 19 syracuse. J.Intl L. 8 com. 57. available at <http://www.heinonline.org>.
37. Larobina, Michaeld and Pate, Richard.(2011),The Status of Recognition and Enforcement of Judgments in the European Union , citation: 3.contemp readings L 8 soc. just. 9. available at <https://heinonline.org>.
38. Baumgartner, Samuel. P.(2011), Changes in the European Union's Regime of Recognizing and Enforcing Foreign Judgments and Transition, I Litigation in the United States" L8 sw. J. Intl: 567. available at <http://heinonline.org>.
39. Baume Tristan,(2006), Competence of the Community to Conclude the New Lugano Convention on Jurisdiction and the Recognition and Enforcement of Judgement in Civil and Commercial Matters, German Law Journal. Vol. 7.No. 8.
40. Jenard.P and Moller. G. Report.(1988), Convention on Jurisdiction, and the Enforcement of Judgment in Civil and Commercial Matters done at Lugano on, Official Journal of the European Communities, no.c.189.
41. Silberman, Linda J.(1995), Judicial Jurisdiction in the Conflict of Law Course. 28 v and. J.Transnl . L.389. (1995). avaiable at <http://heinonline.org>.
42. Hartley, Trevorc "Choice of Law, for Non-Contractual Liability, Selected Problems Under The Rome II Regulation, 57 Intl & com P. L. Q. 899, 2008. available at <http://heinonline.org>.